

دوست‌داشتنی‌ترین امور

وجود انتقاد در هر جامعه‌ای نشانه‌ای است بر پویایی و فعال بودن اذهان آن جامعه و بر این مبناست که اگر اجازه ابراز آزادانه انتقادات داده شود، جامعه در مسیر پیشرفت و تعالی قرار می‌گیرد.



وجود انتقاد در هر جامعه‌ای نشانه‌ای است بر پویایی و فعال بودن اذهان آن جامعه و بر این مبناست که اگر اجازه ابراز آزادانه انتقادات داده شود، جامعه در مسیر پیشرفت و تعالی قرار می‌گیرد.

در حقیقت پرسشگری و انتقاد، فرصت بازبایی مسیر و افزایش شتاب حرکت به سمت پیشرفت را به یک جامعه هدیه می‌کند. بنابراین وجود نقد و همچنین اذهان پرسشگر در یک جامعه را باید موهبتی برای حاکمیت و دولتمردان آن جامعه دانست. انتقاد حقی است که مبنای برپایی سایر حقوق شمرده می‌شود. مبحث #171؛ نقد و انتقاد؛ هنوز در جامعه ما یکی از مسائل چالش‌برانگیز است. عده‌ای معتقدند که نقد و انتقاد فقط در زمانی که شرایط ایجاب می‌کند باید مطرح شود و بر همین اساس در برخی برهه‌ها، به علت ویژه دانستن فضای جامعه، مطرح شدن انتقادات را به مصلحت نمی‌دانند. بعضی دیگر نیز بر ضرورت باز بودن فضای انتقاد در هر شرایطی تأکید دارند و هیچ مانعی را حتی تحت عنوان #171؛ به مصلحت نبودن؛ بر نمی‌تابند. با توجه به طرح لزوم آزاداندیشی و نقد و مناظره از جانب رهبر معظم انقلاب، در این گفتار به واکاوی دیدگاه‌های امام علی(ع) در خصوص نقد و حق انتقاد مردم از حکومت و دولتمردان می‌پردازیم.

امیرالمؤمنین علی(ع) در دوران حکومت پرفرازونشیب خود که کمتر از 5 سال به طول انجامید، آنچنان الگویی را پیش روی ما قرار داده که در نوع خود منحصر به فرد است. بشر تا به امروز با اندوختن تجربه‌های فراوان و دادن هزینه‌های گزاف به نکته‌های علمی برای حکومت رسیده است؛ از جمله آنکه انسان صاحب حق و حرمت است و حق انتقاد و آزادی بیان در قبال حکومت را دارد. اینها مسائلی است که بشریت در سیر تکاملی خود به آنها رسیده است. وقتی حکومت علی(ع) را مورد بررسی قرار می‌دهیم می‌بینیم تمام مفاهیمی که بشر تا به امروز در این زمینه به آن دست یافته است- هرچند به لحاظ کاربردی هم نتوانسته به درستی به آنها عمل کند- در مقایسه با شیوه و روش امیرالمؤمنین در 14 قرن پیش رنگ می‌بازد.

در مقام مقایسه، همین بس که بشر، پس از سال‌ها جنگ و خونریزی دریافت که باید حقوق فراموش شده بشر را احیا کند و توانست اعلامیه حقوق بشر را به دستور عملی کلی برای جهانیان تبدیل سازد اما در 1400 سال پیش حاکمی می‌گوید: #171؛ ای مالک، مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبدا هرگز چنان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی زیرا مردم 2 دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر در آفرینش همانند تو هستند(1؛ raquo). تنها در حکومت علی(ع) است که مردم به ایستادن در مقابل قدرت و نداشتن لکنت زبان در برخورد با حاکمان دعوت می‌شوند.

در مکتب امیرالمؤمنین که ریشه در مبانی دین اسلام و سنت پیامبر(ص) دارد، انتقاد برای مردم یک وظیفه است نه یک حق. امام(ع) با این دیدگاه نشان می‌دهد که مردم نباید در قبال جامعه و حکومت خود بی‌تفاوت و منفعل باشند یا فقط مدح و ثنای آن را بگویند بلکه باید همواره دقت نظر در اعمال و تصمیمات دولتمردان داشته و انتقادات خود را بیان کنند و اگر خلاف این باشد مردم عهدشکنی کرده‌اند. شگفت‌انگیز است که افکار و اندیشه‌های امام علی(ع) تا به این حد از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کرد برتر و جلوتر بود. امروز بشر به خود می‌بالد که حق انتقاد برای فرد فرد انسان‌ها را به رسمیت بشناسد، ولی علی(ع) می‌گوید: این حق من بر شماست و این وظیفه شماست. امیرالمؤمنین در خطبه 216 نهج‌البلاغه می‌فرماید: #171؛ بر من گمان مبرید که اگر حرف حقی بگویند، پذیرفتنش بر من سنگین و دشوار است و خیال نکنید که من می‌خواهم که بزرگم شمارید زیرا آن کسی که شنیدن سخن حق یا نمایاندن عدل بر او سنگین آید، اجرای حق و عدل بر وی سنگین‌تر می‌نماید(2؛ raquo).

تأکید امام علی(ع) بر انتقاد مردم از حکومت، گویای این نکته است که حکومت به شدت نیاز به انتقاد و نقد دارد و مردم باید از چاپلوسی و تملق‌گویی حاکمان بپرهیزند؛ #171؛ در دیده مردم پارسا، زشت‌ترین خوی زمامداران این است که بخواهند مردم آنان را دوستدار بزرگ‌منشی شمارند و کارهایشان را به حساب کبر و خودخواهی بگذارند و خوش ندارم که در خاطر شما بگذرد که من دوستدار ستودنم و خواهان ستایش آن... پس با من چنان که با پادشاهان سرکش سخن می‌گویند حرف نزنید و چنان که از آدم‌های خشمگین کناره می‌گیرند، دوری نجوید و با ظاهرسازی با من رفتار نکنید(2؛ raquo).

نکته شگرفی که در خطبه 216 دیده می‌شود این است که امام(ع) با وجود معصومیت می‌فرماید: #171؛ از گفتن حق یا مشورت در عدالت خودداری نکنید زیرا خود را برتر از آنکه اشتباه کنم و از آن ایمن باشم نمی‌دانم مگر آنکه خداوند مرا حفظ نماید(3؛ raquo).

نکته مهمی که در این خطبه دیده می‌شود، شرایط زمانی است که این سخنان در آن بیان می‌شود. امیرالمؤمنین این سخنان گهربار را در هنگامه جنگ صفین برای سپاهیان خود عنوان می‌کند. این نکته تاریخی می‌تواند ناسخ نظریه کسانی باشد که معتقدند انتقاد را فقط در شرایطی که مصلحت ایجاب می‌کند، باید اظهار کرد. در حقیقت امام اول شیعیان، با بیان چنین سخنان حساسی حین کارزاری

بزرگ، در پی نشان دادن الگویی برای انسان‌های بعد از خود بوده و به آنها گوشزد می‌کند که هیچ مصالح و شرایطی بالاتر از رعایت حق مردم و محترم شمردن آزادی بیان نیست.

امام علی(ع) در دوران حکومت خود هیچ‌گاه آزادی بیان و حق انتقاد را محدود نکرد و همواره بر گسترش این آزادی تأکید ورزید. نمونه عمل به این خط‌مشی، برخورد امام(ع) با گروه خوارج به‌عنوان یک گروه مخالف داخلی بود. امیرالمؤمنین در طول حکومت خویش در برخورد با آنها تا جایی که تنها اظهار نظر بود و بس، آنها را آزاد گذاشت و در نهایت سعه‌صدر و خویشتنداری با آنها مدارا کرد. امام(ع) به آنها می‌فرمود: «#171; شما نزد ما 3 چیز دارید: 1- مانع نماز خواندن شما در مسجد نمی‌شویم. 2- حق‌تان را از بیت‌المال قطع نمی‌کنیم مادامی که دستتان در دست ماست (یعنی تا وقتی که دست به توطئه عملی علیه حکومت نزده‌اید) 3- تا شما جنگ را آغاز نکرده‌اید، ما نبرد نمی‌کنیم (یعنی، آغازگر جنگ، ما نیستیم)»(3»). این چنین نمونه‌هایی را فقط می‌توان در حکومت استثنایی امیرالمؤمنین دید. در حکومت امام علی(ع) است که نه تنها مخالفان خود را تحت فشار قرار نمی‌دهد و برای مخالفت هزینه‌ای ایجاد نمی‌کند بلکه همواره از حق مخالفان خود حمایت می‌کند و آنها را از امتیازاتی که در جامعه باید داشته باشند محروم نمی‌کند.

با عمیق شدن در ریشه‌های تفکر امام(ع) در شیوه حکومتداری، می‌توان به این نکته رسید که امام(ع) حکومت را امانتی می‌داند که از جانب مردم بر دوش حاکم گذاشته می‌شود و حاکم باید خود را امین مردم بداند نه مخدوم آنها. امام علی(ع) در نامه‌ای به یکی از فرمانداران خود می‌فرماید: «#171; همانا این پست برای تو وسیله نان و آب نبوده بلکه امانتی در گردن توست... تو حق نداری نسبت به رعیت، استبداد ورزی و بدون دستور به کار مهمی اقدام نمایی»(4»). در این نگاه و تفکر است که حاکم، خود را امین قدرتی می‌داند که از سوی مردم به دست آورده و معتقد است برای نگهداری از این امانت بزرگ، به مشورت با مردم و انتقادات آنها نیاز دارد.

پر واضح است که هرگاه زمامداران و دولتمردان خود را امین مردم پنداشته و جاه و مقام را مسئولیت بدانند، آن هنگام است که مسئولیت‌ها را میدان‌های پرخطر و پرلغزش برای خود می‌بینند؛ بنابراین از مردم طلب همکاری و همیاری در ادای مسئولیت‌ها می‌کنند.

امیرالمؤمنین در خطبه 216 نهج‌البلاغه درباره حقوق متقابل مردم و حکومت می‌فرماید: «#171; پس رعیت اصلاح نمی‌شود جز آنکه زمامداران اصلاح شوند و زمامداران اصلاح نمی‌شوند جز با درستکاری رعیت و آنگاه که مردم حق رهبری را ادا کنند و زمامدار حق مردم را بپردازد، حق در آن جامعه عزت یابد و راه‌های دین پایدار و نشانه‌های عدالت برقرار و سنت پیامبر(ص) پدیدار شود.

پس، روزگار اصلاح شود و مردم در تداوم حکومت امیدوار و دشمن در آرزوهایش مأیوس گردد»(5»). امام علی(ع) نیز در ادامه، لزوم «#171; نصیحت‌گویی»(6») و «#171; نصیحت‌پذیری»(7») را چه از سوی مردم و چه از سوی حکومت مطرح کرده‌اند: «#171; یکی از واجبات الهی، یکدیگر را به اندازه توان نصیحت کردن و برپاداشتن حق و یاری دادن به یکدیگر است. هیچ کس هر چقدر او در حق بزرگ و ارزش او در دین بیشتر باشد بی‌نیاز نیست که او را در انجام حق یاری رسانند»(8»).

امیرالمؤمنین در جایگاه یک جامعه‌شناس عالم، با درکی آگاهانه از حقوق مردم و لزوم رعایت آنها در مقابل حکومت، انتقاد کردن و آزادی بیان داشتن مردم را ضامن حیات یک حکومت دانسته‌اند. در نگاه امام علی(ع)، از ملزومات انتقادپذیری حاکمان مردم‌گرایی آنهاست. مردم‌گرایی حکومت‌ها در دوران کوتاه زمامداری امام(ع) به‌خوبی به منصف‌ظهور درآمد. البته مردم‌گرایی حکومت علی(ع) با مردم‌گرایی حکومت‌های دمکرات امروز تفاوت‌های زیادی دارد. اما در اینکه هر حکومتی برای ادامه حیات خود، نیاز به رعایت حقوق مردم و مشورت خواستن از آنها دارد، با هم اتفاق نظر دارند.

امام علی(ع) در نامه معروف خود به مالک اشتر می‌فرماید: «#171; دوست‌داشتنی‌ترین چیزها نزد تو، در حق میانه‌ترین و در عدل فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد، که همانا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص (نزدیکان) را از بین می‌برد اما خشم خواص را خشنودی همگان بی‌اثر می‌کند»(9»).

بی‌شک آنچه امروز ما سخت به آن نیازمندیم، لزوم واکاوی و به‌کارگیری چنین اندیشه‌های پاک و نیرومندی است که می‌تواند یاری‌دهنده ما در راه تقویت بنیان‌های جامعه دین‌مدار و مردم‌سالارمان باشد.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- نهج‌البلاغه نامه 53
- 2- همان منبع خطبه 216
- 3- مستدرک‌الوسائل ج 2، ص 256
- 4- نهج‌البلاغه نامه 5
- 5- همان منبع خطبه 216
- 6- همان منبع نامه 53

همشهری آنلاین- سعید زارع صفا